

# بررسی اعلام المکاسب و بررسی نقد آن



قسمت دوم

سید محمد جواد شبیری

پیش از ادامه بحث، مناسب است کلمه‌ای در تکمیل قسمت اول این مقال گفته آید:

در تذکر شماره ۹ قسمت نخست، با ارائه چند دلیل ثابت گردید که وفات شیخ بهائی به سال ۱۰۳۰ می‌باشد. نگارنده بعد از تهیه آن قسمت، از اقادات صاحب ذریعه در این زمینه آگاه شد، ایشان در ضمن معرفی یکی از کتب این عالم جلیل القدر (مشرق الشمسین) به چند نسخه از آن اشاره می‌کند و از جمله می‌فرماید:

ونسخة السيد محمد التهجدي بقلم ابراهيم بن عبد الجليل الشيرواني كتبه في اردبيل وفرغ منه في رجب ۱۰۳۱ ووصف المصنف فيه بقوله: «العلامة الواصل الى اعلى فراديس الجنان» فهو صريح في ان البهائي توفي قبل التاريخ.<sup>۱</sup>

از این عبارت استفاده می‌شود که وفات شیخ بهائی در سال ۱۰۳۰ می‌باشد زیرا حتی در «سلافة العصر» هم که وفات او را به سال ۱۰۳۱ ضبط کرده روز آن را ۱۲ شوال نوشته است.<sup>۲</sup> و اگر وفات او قبل از رجب ۱۰۳۱ رخ داده باشد ناگزیر در ۱۲ شوال ۱۰۳۰ خواهد بود. در ادامه کلام «ذریعه» آمده است که:

وصرح تلميذه الشيخ هاشم بأنه توفي في العشر الوسط من شهر شوال ۱۰۳۰.  
حال به ادامه سخن، می‌پردازیم:

۱- الذریعة ج ۲۱/۵۰.

۲- سلافة العصر، ص ۲۹۱.

۲۰\* - درص ۲۶، در ضمن کتب ابن جنید اسکافی از دو کتاب: «الاحمدی فی الفقه المحمدی» و «مختصر کتاب التهذیب» نامبرده شده در حالی که این دو، نام یک کتاب است، علامه در «ایضاح الاشتباه» در ترجمه ابن جمید، ابتداء از کتاب «تهذیب الشیعة» نام برده، و از خط «ابن معد» مدح و تعریف آن را نقل نموده و سپس می فرماید: و وقع الی من مصنفات هذا الشیخ المعظم الشأن کتاب «الاحمدی فی الفقه المحمدی» و هو مختصر هذا الکتاب و هو کتاب جید یدل علی فضل هذا الرجل و کماله و بلوغه الغایة القصوی فی الفقه و جودة نظره و انا ذكرت خلافه و اقواله فی کتاب مختلف الشیعة فی (من خ. ل) احکام الشریعة<sup>۳</sup> انتهى کلامه قده.

بنابراین ممکن است در عبارت اعلام المکاسب سقطی واقع شده و صحیح آن چنین باشد: «الاحمدی فی الفقه المحمدی و هو مختصر کتاب التهذیب».

۲۱\* - در آخر صفحه ۱۰ کتاب مکاسب مطالبی از خلاف شیخ طوسی (م. ۴۶۰) حکایت شده که در ضمن آن فتوایی از ابن داود دیده می شود، با مراجعه به «خلاف<sup>۴</sup>» روشن می شود که در عبارت منقوله اشتباهی رخ داده و صحیح آن داود است و مراد از آن، داود بن علی اصفهانی ظاهری (م. ۲۷۰)<sup>۵</sup> می باشد، این اشتباه در عبارت مکاسب به کتاب مورد بحث ما، سرایت کرده و بدین جهت در صفحه ۲۶ بجای ترجمه این شخص ترجمه ابن داود حلی (مولود در ۶۴۷) ذکر شده است. حال آنکه در مکاسب نام ابن داود - به جز در همان صفحه ۷ - در هیچ جا دیده نشده است بلکه اگر عبارت مکاسب در آن صفحه اشتباه هم نبود و همان «ابن داود» صحیح بود باز این شخص در کلام شیخ طوسی به هیچ وجه، «ابن داود حلی» - که ۱۸۷ سال بعد از وفات شیخ الطائفة متولد شده - نیست و مراد از آن مثلاً ابن داود قمی (۳۶۸ م) می بود.

۲۲\* - درص ۴۶ در ترجمه شیخ بهائی حارثی همدانی این عبارت دیده می شود: والحرثی الهمدانی نسبة الی الحرث بن عبدالله الهمدانی صاحب امیر المؤمنین (ع) و الهمدانی بسکون المیم نسبة الی همدان، القبيلة العربية المشهورة وهم حی من اليمن وفتح المیم مدينة ايرانية، والحرث الهمدانی هو الذي قال له امیر المؤمنین شعراً، منه:

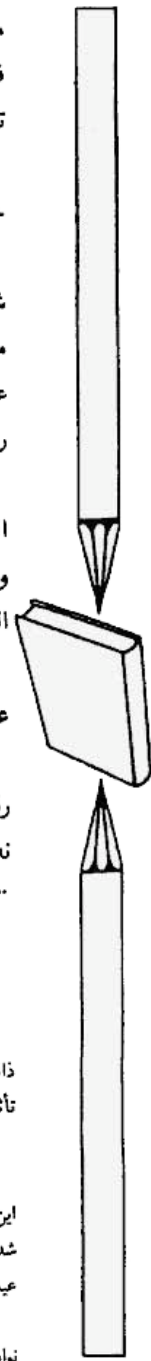
يا حارِ همدانَ مَنْ يَمُتْ بِرَئِي مِنْ مُؤْمِنٍ اَوْ مُنَافِقٍ قُبُلًا  
در اینجا دو مطلب باید گفته شود:

مطلب اول: حارث بن عبدالله منسوب به قبیله یمنی همدان (به سکون میم)

۳ - ایضاح الاشتباه / ۸۹.

۴ - خلاف، چاپ حروفی، ج ۲/ ۵۴۳، کتاب الاطمینة، مسئله ۱۹.

۵ - تاریخ بغداد، ج ۸/ ۳۶۹.



می‌باشد نه به شهر ایرانی، همچنانکه از شعر مذکور هم روشن می‌شود و بطور کلی در زبان فارسی قدیم، بسیاری از کلمات که اکنون با دال (بدون نقطه) تلفظ می‌شود، با ذال (نقطه دار) تلفظ می‌شده است<sup>۶</sup>، از جمله همین کلمه همدان (= همدان).

**مطلب دوم:** شعر مذکور در این عبارت، ظاهراً انشاء امیرالمؤمنین (ع) نیست بلکه سید حمیری روایتی از آن امام به حق را، به صورت این شعر، درآورده است.<sup>۷</sup>

\* ۲۳- در ذیل عنوان راوندی در ص ۵۶، ترجمه قطب راوندی سعید بن هبه الله، آورده شده است، حال آنکه این عنوان علاوه بر این عالم، به «فضل الله راوندی» هم اطلاق می‌شود،<sup>۸</sup> (بطور نمونه ص ۱۲ مکاسب سطر ۱۵ را ملاحظه فرمائید<sup>۹</sup>)، مشابهت این دو عالم هم عصر در نسبت باعث ایجاد اشتباهاتی گردیده که نمونه‌ای از آن، در ضمن اشکال بعدی روشن می‌شود.

\* ۲۴- در ص ۵۷، در عداد اساتید «قطب راوندی» از محمد بن الحسن والد «نصیر الدین طوسی» و «سید مرتضی» نامبرده شده است در حالی که این مطلب قطعاً نادرست است و منشأ اشتباه، احتمالاً عبارتی است که در ریاض العلماء، (ج ۵، ص ۱۶۱) آمده با این الفاظ:

رأيت في بعض الكتب أنه - ای نصیر الدین الطوسی - قرأ الشرعیات علی والده والدة علی فضل الله الراوندی وهو علی السید المرتضی انتهى.

بنابر این در اینجا دو اشتباه رخ داده است، اول: اشتباه «قطب راوندی» به «فضل راوندی»، دوم: اشتباه استاد به شاگرد زیرا «فضل راوندی» استاد پدر «خواجه طوسی» است نه شاگرد او.

۶- برای شناخت موارد «دال» از «ذال» به این شعر توجه فرمائید:

آنانکه به فارسی سخن می‌رانند در موضع «دال»، «ذال» را نشانند  
ما قبل وی ارساکن جز «وی» بود دال است وگرنه ذال معجم خوانند

به تعبیر دیگر اگر ما قبل این حرف، صحیح و ساکن باشد، بدون نقطه تلفظ می‌شد مانند «کرده» و در غیر این صورت ذال (با نقطه) تلفظ می‌شده است مانند «پادشاه» و «برذ» و «بود»، توضیح کامل این قاعده و ذکر شواهد مختلف آن و تأثیرش در کلمات معرب، مجال دیگری خواهد.

۷- امالی مفید مجلس اول حدیث ۳، مستدرک الوسائل ج ۳/ ۱۱۵.

۸- در پشت نسخه‌ای از «غرر و درر» سید مرتضی، اجازه این عالم به تاریخ رجب ۵۶۸ دیده می‌شود گوشه‌ای از این اجازه در روی جلد نشریه «تراثنا» شماره ۵ به چاپ رسیده است. از طرف دیگر در نسخه‌ای از خصائص وفات او ضبط شده است ولی متأسفانه قسمت مهم آن پاره شده و تنها از آن استفاده می‌شود که وفات وی در عید فطر بوده، بنابراین وی تا عید فطر ۵۶۸، زنده بوده است.

۹- در این صفحه روایتی از نوادر راوندی نقل شده که ظاهراً نوادر فضل الله راوندی است (ذریعه ج ۲۴/ ۳۳۷) نه نوادر المعجزات قطب راوندی که تنه خرائج می‌باشد (ذریعه ج ۲۴/ ۳۴۹).

ناگفته نماند که اگر مراد از «سید مرتضی» در عبارت «ریاض» و عبارت کتاب مورد بحث ما، معنای ظاهر آن یعنی علم الهدی (م ۴۳۶) باشد در اینجا نیز اشتباه یا سقطی واقع گشته زیرا «فضل الله راوندی»، از شاگردان شیخ «ابوعلی» (م بعد از ۵۱۱) فرزند «شیخ طوسی» می باشد.<sup>۱۰</sup> و این چنین کسی عادتاً نمی تواند از «سید مرتضی علم الهدی» بدون واسطه روایت کند و همچنین است شاگردی «قطب راوندی» (م ۵۷۳) از «سید مرتضی علم الهدی».

\* ۲۵- در ترجمه محقق سبزواری او را در شمار شاگردان و روایت کنندگان از شیخ بهائی ذکر نموده اند که ظاهراً اشتباه است زیرا «محقق سبزواری» به سال ۱۰۱۷ زاده شده<sup>۱۱</sup> و در هنگام وفات «شیخ بهائی» (سال ۱۰۳۰) تنها ۱۳ سال داشته است، بنابراین روایت او و حضور وی در مجلس درس آن عالم بزرگ - که شاید بالاترین محفل علمی آن دوره محسوب می شد-<sup>۱۲</sup> بسیار مستبعد است علاوه بر اینکه محدث متبوع حاجی نوری در اجازات مفصل مستدرک الوسائل (الفائدة الثالثة من الخاتمة) تا آنجا که نگارنده تفحص کرده از این مطلب سخنی نمی گوید.<sup>۱۳</sup> بلکه در این سلسله اجازات، «سبزواری» با دو واسطه از شیخ بهائی روایت می کند.<sup>۱۴</sup>

در همین ترجمه از شاگردان «سبزواری»، آقا حسین خوانساری را نام می برند ولی این مطلب - هر چند در بعضی از کتب تراجم آمده - ذاتاً مستبعد است<sup>۱۵</sup> زیرا «آقا حسین خوانساری» که از مشاهیر عصر خویش بوده، به سال ۱۰۱۶ یا ۱۰۱۷<sup>۱۶</sup> متولد گشته است، بنابراین یا هم سن سبزواری و یا بزرگتر از او می باشد و در سلسله اجازات مستدرک الوسائل نیز این مطلب دیده نشد، پژوهشی بیشتر لازم است تا حقیقت امر، روشن شود.

۱۰ - مستدرک الوسائل ج ۳/ ۳۹۷، طبقات اعلام الشيعة، الطبقات العيون في سادس القرون / ۲۱۸.

۱۱ - وقایع السنین والاعوام ص ۵۰۱ و ۵۳۵، جامع الرواة ج ۲/ ۷۹.

۱۲ - روضة المتقين ج ۱۴/ ۴۰۵.

۱۳ - این تفحص با استفاده از فهرست اعلامی که مرحوم آیه الله زنجانی (قده) نگاشته اند و خطی است انجام گرفت.

۱۴ - مستدرک الوسائل ج ۳/ ۳۸۶.

۱۵ - در مستدرک الوسائل ج ۳/ ۴۰۸ آمده «اخذ الحكمة عن التحرير المحقق الأميرابي القاسم الفندرسكي ویروی عن تاج المحدثين المولى محمد تقى المجلسى وعليه قرأ المنقول» شاید از این عبارت استفاده شود که محقق خوانساری تنها در نزد مولى محمد تقى مجلسى در منقول شاگردى کرده است اما در کتب روضات الجنات ج ۲/ ۶۹، ۳۵۳، الکنى والالاقاب ج ۳/ ۱۶۰، اعيان الشيعة ج ۶/ ۱۴۹، تلمذ او نزد سبزواری آمده است و در برخی مانند اعيان الشيعة تصريح شده که منقول را نزد وی آموخت.

۱۶ - وقایع السنین والاعوام، ص ۵۴۱ و جامع الرواة ج ۱/ ۲۳۵.

\*۲۶- در ترجمه شیخ سدیدالدین حمصی در ص ۶۰ این عبارت دیده می‌شود:  
یروی عنه... والشیخ وزام بن ابی فراس المتوفی سنة ۶۰۵ وروی الشهید الثانی عن  
تلامذته عنه.

ضمیر «عنه» در آخر عبارت چه به «سدیدالدین» برگردد چه به «شیخ وزام بن ابی فراس» در هر صورت این مطلب اشتباه است زیرا روایت شهید ثانی (مولود در ۹۱۱) از «شیخ وزام بن ابی فراس» (متوفی سنه ۶۰۵) تنها با یک واسطه، از محالات عادی به شمار می‌آید تا چه برسد به روایت «شهید ثانی» به یک واسطه از استاد «وزام»، (سدیدالدین) بلکه روایت «شهید اول» (مولود در ۷۳۴) از این هر دو، بسیار مستبعد است.

\*۲۷- عنوان «سید» به این زهره تفسیر شده است حال آنکه این عنوان در اکثر به «سیدمرتضی علم الهدی» اطلاق می‌شود (یک نمونه، همان صفحه دوم مکاسب سطر ۱۵) البته گاه به غیر این دو، نیز اطلاق می‌شود ولی حتماً باید با قرینه همراه باشد.

\*۲۸- نویسنده، هارون بن موسی تلعلکبری را در ص ۷۳ به عنوان یکی از روایات صدوق قلمداد نموده است.

حال آنکه حتی در یک مورد هم روایت وی از صدوق، به دست نیامده و ذاتاً هم این امر، بسیار بعید است زیرا «تلعلکبری» از «ابی علی احمد بن ادیس اشعری» متوفی سنه ۳۰۶ (حدود ولادت شیخ صدوق) روایت می‌کند.<sup>۱۷</sup> در اینجا ممکن است «صدوق» و پدرش که همانند وی به «ابن بابویه» ملقب بوده با هم خلط شده باشند.

\*۲۹- مؤلف، در همین صفحه جزء کتب صدوق از «اکمال الدین و اتمام النعمة» نام می‌برد حال آنکه این کتاب، کمال الدین و تمام النعمة است، همچنانکه از خود کتاب برمی‌آید،<sup>۱۸</sup> آری صدوق نام کتاب خود را از آیه شریفه «الیوم اکملت لکم دینکم...» گرفته است ولی مصدر ثلاثی مجرد آن را به عنوان اسم کتاب برگزیده نه مصدر خود این فعل را.<sup>۱۹</sup>

\*۳۰- صیمری با عنوان «معاصر للشیخ علی بن عبدالعالی الکرکی، کان من تلامذة ابن فهد الحلی صاحب الموجز» معرفی شده است، حال آنکه «ابن فهد» در سال ۸۴۱ وفات کرده و شاگردان وی در طبقه اساتید محقق کرکی (م ۹۴۰) یا اساتید اساتید وی می‌باشند:

در ص ۳۳ کتاب، جزء تلامیذ ابن فهد، «علی بن هلال جزائری» و «حسن بن علی» مشهور به «ابن عشرة» ذکر شده‌اند و در ص ۸۲ هم «ابن عشرة» را استاد «علی بن هلال

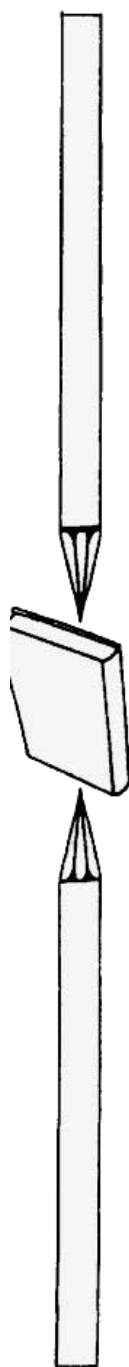
۱۷- طبقات اعلام الشيعة، القرن الرابع / ۳۲۸.

۱۸- آخر کمال الدین.

۱۹- و شاید این نام بیشتر از کلمه «اکمال الدین» با موضوع کتاب که اثبات غیبت است تناسب داشته باشد.







جزائری» (استاد محقق کرکی) معرفی می‌کنند، بدین ترتیب روشن می‌شود که معرفی «صیبری» به عنوان معاصر «محقق کرکی» نامناسب است.

۳۱- در ص ۷۶ جزء تألیفات صاحب مجمع البیان از «الوسیط» و «الوجیز» و «جوامع الجامع» نام می‌برند حال آنکه «الوسیط» همان «جوامع الجامع» است.

توضیح اینکه «امین الاسلام طبرسی» دارای سه کتاب تفسیری بوده است ۱- تفسیر کبیر که همان مجمع البیان است ۲۰- تفسیر وجیز که خلاصه کشاف بوده و «الکافی الشافی» نام دارد ۳- تفسیر وسیط که مأخوذ از کشاف و مجمع البیان - بیشتر از کشاف - بوده و نام آن «جوامع الجامع» می‌باشد.<sup>۲۰</sup>

۳۲- در ص ۸۸ وفات فاضل هندی به سال ۱۱۳۷ ضبط شده است، اما این مطلب - هر چند اصحاب تراجم بدان تصریح و بر سنگ مزار وی (در مقابر لسان الارض) مرقوم شده - ظاهراً نادرست است، زیرا «شیخ محمدعلی حزین» که با «فاضل هندی» دوست بوده و خود در حصر اصفهان توسط افغانها به سال ۱۱۳۴ گرفتار آمده،<sup>۲۱</sup> در کتاب تاریخ حزین می‌گوید که او چندی قبل از حادثه اصفهان درگذشت<sup>۲۲</sup> و این کلام بر تصریح کتب تراجم و غیر آن مقدم است.

۳۳- در ص ۹۲، «قطب الدین» به «راوندی» تفسیر شده است، حال آنکه تا آنجا که نگارنده در مکاسب فحص نموده، در جایی از قطب راوندی به صورت «قطب الدین» و یا «قطب» تعبیر نشده است، اکنون مجال مراجعه مجدد و مطرح نمودن یکایک مواردی که این عنوان، در مکاسب بکار رفته، در اختیار نیست، تا آنجا که به یاد دارم در تمام این کتاب شریف، هر جا این لقب به کار رفته و از این دانشمند مطلبی حکایت شده همه جا مراد «قطب رازی» بوده و تنها یک مطلب است که در جاهای مناسب بدان اشاره رفته است<sup>۲۳</sup>، این مطلب در صفحه ۱۴۳ بطور کامل آمده که عین عبارت شیخ (ره) در اینجا چنین است:

ثم انّ هنا اشکالاً فی شمول الحکم بجواز تتبع المقود لصورة علم المشتري بالفصب، اشار اليه العلامة فی «عد» و اوضحه قطب الدين والشهيد في الحواشي المنسوبة اليه فقال الاول فيما حکى عنه ان وجه الاشکال ...

همچنان که می‌بینید «قطب الدین» در اینجا کسی است که از علامه متأخر بوده و در توضیح کلام وی سخنی فرموده و روشن است که نمی‌تواند «قطب راوندی» (م ۵۷۳) - که ۷۵

۲۰- الذریعة ج ۵ / ۲۴۸.

۲۱- تاریخ حزین از ص ۵۲ به بعد.

۲۲- تاریخ حزین / ۶۴.

۲۳- مکاسب ص ۱۳۰ سطر ۱۲، ص ۳۱۸ سطر ۲۵ و سطر ۲۹، ص ۹۰ سطر ۴.

سال قبل از ولادت «علامه» (به سال ۶۴۸) درگذشته — باشد و او کسی جز «قطب رازی» شاگرد «علامه» و استاد «شهید اول» و صاحب حواشی بر قواعد علامه مشهور به حواشی قطبیه، نیست. ۲۴.

\* ۳۴ — در ص ۹۲، محقق قمی به عنوان «القمی» ترجمه شده است، حال آنکه مراد از «قمی» در مکاسب «علی بن ابراهیم قمی» استاد «کلینی» می باشد (به طور نمونه به مکاسب ص ۳۶ سطر ۶۳ رجوع شود)، و شیخ از «سرزای قمی» با عناوین «محقق قمی صاحب القوانین» و «فاضل قمی» یاد می کند (به طور نمونه: ص ۱۲۸ مکاسب، سطر ماقبل آخر و ص ۲۳۷ سطر ۸ و ص ۲۹۷ دو سطر به آخر صفحه مانده ملاحظه شود).

\* ۳۵ — در ص ۹۶ در ردیف راویان از کلینی، نام عمانی با حروف پررنگ به چاپ رسیده است که مراد از آن «ابن ابی عقیل» است، در حالی که تا آنجا که نگارنده تفحص نموده «ابن ابی عقیل» از «کلینی» روایت نمی کند،<sup>۲۵</sup> بلکه او ظاهراً هم عصر و بلکه شاید اندکی تقدم بر «کلینی» داشته است.<sup>۲۶</sup> به هر صورت ذکر «عمانی» به عنوان راوی از «ابوجعفر کلینی» اشتباه است، با مراجعه به روضات الجنات منشأ این اشتباه روشن می شود در این کتاب در هنگام برشمردن شاگردان این محدث جلیل القدر این عبارت دیده می شود: «... و ابو عبد الله العماني المفسر الآتي ذكره وترجمته عن قريب»<sup>۲۷</sup> در این عبارت از جهات عدیده تصحیفی رخ داده است زیرا ترجمه «عمانی» در روضات در مجلد دوم و چند جلد قبل از ترجمه «شیخ کلینی» مسطور شده و از طرف دیگر «عمانی» به عنوان مفسر مشهور نبوده و کنیه او نیز «ابومحمد» است نه «ابوعبدالله» و...<sup>۲۸</sup>

«عمانی» در اینجا ظاهراً — همچنانکه در ترجمه روضات آمده (ج ۷، ص ۴۷) — تصحیف «نعمانی» می باشد که در چند صفحه بعد ترجمه شده و در ضمن کتب او، از کتاب تفسیری یاد می کند و روایت او از «کلینی» نیز مسلم است.<sup>۲۹</sup>

\* ۳۶ — وفات علامه مجلسی به سال ۱۱۱۱ ذکر گردیده است. در کتاب «وقائع السنین والاعوام» (اصل آن نوشته سید عبدالحسین خاتون آبادی (۱۰۳۹ — ۱۱۰۵) و ظاهراً تکمیل آن تا سال ۱۱۹۵ به توسط بازماندگان صورت پذیرفته است

۲۴ — ذریعه ج ۱۷۲/۶، طبقات اعلام الشيعة، الحقائق الراهنة، فی المائة السابعة / ۲۰۰.

۲۵ — ر ک کیهان فرهنگی سال سوم شماره ۱۰ مقاله «نظری به مصاحبه در عرصه روایت و درایت حدیث».

۲۶ — طبقات اعلام الشيعة، نوابغ الرواة فی رابع المئات / ۹۵.

۲۷ — روضات الجنات ج ۱۱۹/۶.

۲۸ — رجال نجاشی رقم ۱۰۰، فهرست شیخ طوسی ۵۴ و صفحه آخر و خود اعلام المكاسب ص ۸۳.

۲۹ — ر ک کیهان فرهنگی سال سوم شماره ۱۰.



و جزء منابع قریب به عصر علامه مجلسی به حساب می‌آید) تاریخ وفات او را به این سال ضبط نموده است.<sup>۳۰</sup>

و این شاید قدیمی‌ترین منبع این قول باشد ولی در همین صفحه دو سطر پائین‌تر، عمر او را به هنگام وفات هفتاد و سه سال ذکر نموده‌اند که به مقتضی اینکه ولادت مرحوم مجلسی در سال ۱۰۳۷ است،<sup>۳۱</sup> بنابراین وفات او می‌بایست در سال ۱۱۱۰ باشد (۱۱۱۰ = ۷۳ + ۱۰۳۷) فتاقل.

به هر حال، همین سال صحیح است زیرا که داماد او، امیر محمد صالح بن عبدالواسع خاتون آبادی در کتاب حدائق المقربین می‌گوید:

توفی قدس سره سنه عشر و مائه و الف فی ليله السابع و العشرین من شهر رمضان المبارک و کان عمره - اذ ذاک - ثلاث و سبعین سنه و تاریخ وفاته بالفارسیه: «مقتدای جهان ز با افتاد»، و ایضاً «عالم علم رفت از عالم» و ایضاً «رونق از دین برفت» و ایضاً «باقر علم شد روان بجانان».

صاحب روضات بعد از نقل این عبارت می‌گوید: و احسن ما انشدفی هذا المعنی قول

بعضهم:

ماه رمضان که بیست و هفتش کم شد تاریخ وفات باقر اعلم شد.<sup>۳۲</sup>  
دیگر مدرک معتبر بر این قول، «تاریخ حزین» است، مؤلف این کتاب (مولود در ۱۱۰۳) خود در کودکی علامه مجلسی را ملاقات نموده<sup>۳۳</sup> و با فرزندان وی معاشر بوده است، او معدودی از کسانی را که با وی دوستی داشته و در حضر اصفهان درگذشته‌اند ذکر می‌کند و از جمله می‌نویسد:

دیگر مولانا محمدرضا خلیف مرحوم مولانا محمد باقر مجلسی است به حلیه علم و خصال حمیده آراسته، به تدریس مشغول و به علو همت موصوف بود در سلحه مذکور با دوبرادر عالی مقدار و جمعی از اولاد و اقربا که همه از معاشران و دوستان صمیم من بودند، رحلت نمودند.<sup>۳۴</sup>

و بالجمله به مقتضای این کلام و سخن داماد علامه مجلسی و ماده تاریخهای گفته شده در قریب به عصر او، وفات وی به سال ۱۱۱۰ واقع شده است.

۳۰ - وقائع السنین و الاعوام / ۵۵۱.

۳۱ - مؤلف وقائع السنین و الاعوام خود در ص ۵۰۸ به این مطلب تصریح می‌کند.

۳۲ - روضات الجنات ج ۲ / ۸۷.

۳۳ - تاریخ حزین ص ۱۶.

۳۴ - تاریخ حزین ص ۶۵.



۳۷\* - در ترجمه علامه مجلسی در ص ۹۸ این عبارت به چشم می خورد: تتلمذ علی عتة من حملة العلم و روی عنهم، منهم: ... السيد علی خان ابن السيد نظام الدین شارح الصحیفة و الصدیة.

هر چند علامه مجلسی و سید علیخان مدنی از همدیگر روایت نموده اند<sup>۳۵</sup> اما شاگردی علامه مجلسی (مولود در ۱۰۳۷) در نزد سید علیخان (مولود در ۱۰۵۲) بسیار مستبعد بوده و اطمینان به عدم آن حاصل است، خصوصاً با در نظر گرفتن اینکه سید علیخان زاده مدینه طیبه بوده و در آنجا نشو و نما نموده و در سال ۱۰۶۶ به درخواست پدر به حیدرآباد دکن رفته و در آنجا به منصب صدارت و امارت رسیده است و سپس به حجاز رفته و تنها مدت کوتاهی در اصفهان (مسکن علامه مجلسی) اقامت داشته و سرانجام رحل اقامت خویش به شیراز افکند.<sup>۳۶</sup>

۳۸\* - نسب محقق کرکی در ص ۱۰۲ اینگونه آمده است: «علی بن عبدالعالی الکرکی العاملی، نورالدین».

ظاهراً عبدالعالی جد محقق کرکی است و حذف پدر از نسب او به جهت اختصار بوده است و اینگونه اختصارات بسیار اتفاق می افتد، مانند علی بن بابویه که در اصل علی بن حسین بن موسی بن بابویه است و نیز از محقق به عنوان «ابوالقاسم ابن سعید» و از پسر عموی او به عنوان «یحیی بن سعید» نام برده می شود در حالی که سعید جد اعلای این دو است، این موارد آنقدر زیاد است که ذکر و احصاء آنها، فائده مهمی در بر ندارد، در مورد محقق کرکی، حتی خود او با نام علی بن عبدالعالی از خود نام می برد.<sup>۳۷</sup> با این همه در مقام ترجمه شخصیات اینگونه اختصارات ناروا است.

اما دلیل این مطلب:

در اجازه محمد بن علی بن محمد بن خاتون العاملی به او<sup>۳۸</sup>، از وی بدین گونه یاد می کند:

زین الاسلام الشیخ زین الدین علی ولد الشیخ الورع التقی النقی الزاهد العابد عزالدین حسین بن عبدالعالی اعلی ... شأنه و صانه عماشانه انتهى ملخصاً، در جای دیگری از این اجازه نیز همین مطلب تکرار شده.

بلکه در اجازه «علی بن هلال جزائری» او را با عنوان «الشیخ زین الدین علی اعلی ... مجده ابن الشیخ عزالدین حسین ابن الشیخ زین الدین علی بن عبدالعالی» مخاطب

۳۵ - مستدرک الوسائل ج ۳ / ۴۰۳.

۳۶ - تاریخ حزین / ۴۰، تذکره حزین / ۱۰، مستدرک الوسائل ج ۳ / ۳۸۶.

۳۷ - بحار ج ۱۰۸ / ۵۳، ۵۷، ۵۹، ۶۳، ۶۸، ۸۰، ۸۳، ۸۴.

۳۸ - بحار ج ۱۰۸ / ۲۰، ۲۳.



قرار می‌دهد و در خود کتاب نیز گاه از او به عنوان علی بن الحسین نام می‌برد ( اعلام المکاسب ص ۱۳۳، ص ۱۴۸) در اجازات متأخرین از او نیز، نام «علی بن الحسین بن عبدالعالی» هم به چشم می‌خورد.

باری با توجه به دو اجازه اساتید وی ظاهراً نسب وی چنین است: علی بن حسین بن علی بن عبدالعالی. (همچنانکه در ذریعه ج ۱/۲۱۲ نیز آمده است) که گاه جد او (علی) و گاه جد و پدر او (حسین) اختصاراً حذف می‌شود.

اما در مورد لقب محقق کرکی: در دو اجازه سابق الذکر، لقب او را «زین الدین» ذکر کرده‌اند ولی در اجازات متأخرین از او (شهید ثانی، شیخ محی الدین احمد بن تاج الدین میسی، محمود بن محمد لاهیجانی، شیخ محمود بن محمد اهمالی و...) و کتب تراجم، با عنوان «نورالدین» یاد شده است.<sup>۳۹</sup>

به هر حال ملقب بودن وی به «زین الدین» تقریباً مسلم است (همچنانکه در ریاض العلماء ج ۳/۴۳۱ آمده است) و «نورالدین» هم ممکن است لقب او باشد یعنی او دو لقب داشته باشد و ممکن است تنها لقب او «زین الدین» باشد و شهید ثانی (که تمام اجازات در این مورد به او منتهی می‌شود) در این مقام به اشتباه، لقب استاد و پدرزن خود، نورالدین علی بن عبدالعالی میسی را به جای لقب محقق کرکی (علی بن عبدالعالی) ذکر نموده باشد (فتأمل فی لقب المیسی ایضاً).

\* ۳۹ - در همان صفحه ۱۰۲ در ضمن تصانیف محقق حلی از دو کتاب به نامهای «المسائل العریّیة» و «المسائل العزیّیة» نام برده شده ولی ظاهراً «المسائل العریّیة» تصحیف «المسائل العزیّیة» می‌باشد و کتاب مستقلی نیست.<sup>۴۰</sup>

\* ۴۰ - در ص ۱۰۳ وفات محمد جواد عاملی صاحب مفتاح الکرامه را به سال ۱۲۲۶ ذکر کرده‌اند، هر چند در بعضی از کتب تراجم وفات او را حدود این سال نوشته‌اند.<sup>۴۱</sup> اقا او در سال ۱۲۲۷ زنده بوده است زیرا رساله‌ای در اجازه، نوشته‌وی در جمادی الاولی ۱۲۲۷ تألیف شده است و نیز «محقق قمی» بز نسخه‌ای از مفتاح الکرامه که مؤلف به وی اهدا نموده کلمه‌ای نوشته و او را با «سَلَّمَهُ اللهُ» دعا نموده، تاریخ کتابت این جمله سال ۱۲۲۷ بوده است.<sup>۴۲</sup>

۳۹ - بحار الانوار ج ۱۰۸، روضات الجنات ج ۴/۳۶۰، اعیان الشیعه ج ۸/۲۰۸، ذریعه ج ۱/۲۱۲، لؤلؤة البحرین

۱۵۱ /

۴۰ - ر. ک. کیهان اندیشه شماره ۷، مقاله نظری به ترجمه منیه المرید نوشته آقای رضا مختاری.

۴۱ - هدیه الاحباب / ۲۰۲.

۴۲ - این نسخه در کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه (ع) موجود است، و نسخه از کتاب اجازه او در فهرست

\* ۴۱ - درص ۱۰۵ وقات صاحب فصول، محمد حسین اصبهانی حدود سال ۱۲۵۰ تعیین شده است در حالی که این تاریخ صحیح نیست زیرا در پایان نسخه ای از کتاب فصول به خط شاگرد مؤلف «میرسید عبدالوهاب همدانی» کاتب چنین نوشته:  
«تاریخ وفات مرحمت ماب شیخ محمد حسین مصنف هذا الكتاب يوم دوشنبه دهم شهر جمادی الاولى سنة ۱۲۵۵».<sup>۴۳</sup>

\* ۴۲ - درص ۱۰۲ انتصار را بدین گونه معرفی می‌کند:  
«فی بیان الفروع التي شنع علی الشيعة بانهم خالفوا فيها الاجماع فاثبت ان لهم فيما موافقاً من فقهاء سائر المذاهب وان لهم علیها حجة قاطعة من الكتاب والسنّة».  
این تعبیر مانند اکثر مطالب قسمت کتب از «ذریعه» اخذ شده است.<sup>۴۴</sup> ظاهر این جمله، این است که شیعه در جمیع مسائل این کتاب موافقی از عامه دارد و منفرد بدان نیست، ولی این مطلب نادرست است زیرا قطع نظر از مرور در خود کتاب «انتصار»، سید مرتضی مؤلف آن در ابتدایش می‌گوید:

واکثرها یوافق فیہ الشيعة غیرهم من العلماء والفقهاء المتقدمین والمتأخرین و ماليس فیہ موافق من غیرهم فعلیه من الادلة الواضحة والحجج اللانحة ما یغنی عن وفاق الموافق ولا یوحش معه خلاف المختلف انتهى.<sup>۴۵</sup>  
پس در اکثر این مسائل، شیعه موافقی از عامه دارد نه در تمام آنها.

\* ۴۳ - تفسیری که اکنون به نام تفسیر قمی مشهور و درص ۱۲۷ این کتاب معرفی شده از مجموع نظرات و تفاسیر بیش از بیست نفر گردآوری شده که فقط یکی از آنها تفسیر «علی بن ابراهیم قمی» است، تحقیق این مطلب در سلسله دروس درایه حضرت والد مدّ ظله بطور مستوفی انجام گرفته و در ضمن آن احتمال قوی داده شده که گردآورنده این مجموعه تفسیری، علی بن حاتم قزوینی بوده باشد، امید که توفیق یار گردد و این دروس نگارش و نشر یابد.

\* ۴۴ - جزء کتب ترجمه شده در این کتاب نام جواهر الکلام به چشم می‌خورد حال آنکه در هیچ جای مکاسب از این کتاب نام برده نشده و هر جا کلمه «جواهر» بکار رفته مراد جواهر الفقه ابن براج است، آری مرحوم شیخ قدس سره از جواهر مطالبی با عنوان «قال بعض المعاصرین» حکایت کرده است بدون اینکه از مأخذ آن نام ببرد، از آنجا که عدم ذکر این

این کتابخانه ص ۲۰۶ معرفی شده است.

۴۳ - فهرست کتابخانه آیت الله نجفی ج ۹/۲۱۰.

۴۴ - ر ک ذریعه ج ۲/۳۶۰.

۴۵ - ابتدای انتصار، مطبوع در ضمن جوامع فقهیه، و ابتدای انتصار مستقل.



نکته باعث اشتباه می‌شود، گوشزد کردن آن، ضروری است.

۴۵\* - در کتاب ذریعه (ج ۱۰/۴۰) بعد از ذکر خصوصیات ذکر شیعه تألیف

شهید اول، آمده است:

رأيت نسخة عصر المصنف في طهران في مكتبة (مجد الدين النصيري) وهي بخط الشيخ احمد بن الحسن بن المحمود، فرغ من كتابتها ( ۷ - ۲ / ۶ - ۷۸۴ ) \* \* والظاهر ان الكاتب كان تلميذ الشهيد وكان كلما يخرج من قلم الشهيد يستنسخه التلميذ تدريجاً...  
در کتاب اعلام المکاسب، قسمت دوم عبارت ذکر شده ولی قسمت اول حذف شده است و بدین جهت عبارت بی سر و ته از آب درآمده است در اینجا یا باید تمام عبارت ذریعه - با اندک تغییری در لحن - درج و یا تمام آن حذف شود.

۴۶\* - در ص ۱۶۰ آمده است که از رساله این عودی برمی‌آید که روض الجنان اولین

کتاب شهید ثانی در فقه استدلالی است، حال آنکه از این رساله استفاده می‌شود که این کتاب، اولین تألیف شهید ثانی است نه فقط اولین تألیف در خصوص فقه استدلالی، عین عبارت «ابن عودی» و پاره‌ای صحبتها در اطراف آن بعداً مطرح می‌شود.

۴۷\* - در ص ۱۵۰ در مورد قوانین گفته شده است:

«اورد فيها حاصل حاشيتي الفاضل الشيرواني و سلطان العلماء على المعالم و سپس می‌فرماید: ولذا حکى عن بعض معاصريه انه قال له: انما جمعت القوانين من المعالم و حاشيته المذكورين (المذكورتين صح) فقال كفاني فخراً ان فهمت المعالم و حاشيته و لخصت منها كتاباً».

صدر کلام به قرینه ذیل، ظاهر - و لا اقل موهوم - این معنی است که مطالب قوانین منحصر به تحقیقات این دو عالم و صاحب معالم می‌باشد در حالی که اولین نگاه به این کتاب، نادرستی این سخن را مدلل می‌سازد، زیرا قوانین شاید چندین برابر این سه کتاب بر روی هم باشد، اگر حکایت مذکور صحیح هم باشد باز کلام صاحب قوانین مبنی بر مبالغه در تعریف این سه کتاب بوده و حاکی از تواضع او است.

۴۸\* - مؤلف در مورد کشف اللثام در ص ۱۵۳ می‌گوید:

« شرح على قواعد العلامة الحلبي، للفاضل الهندي محمد بن الحسن، شرع فيه قبل بلوغ الحلم وبعد فراغه من المبعقول بتصريح نفسه وابتداء في شرحه لكتاب النكاح وانهاه الى ختام القواعد شرحاً وسيطاً اقرب الى الاختصار ثم ابتداء من اول القواعد مستوفياً مستقصياً للأدلة والاقوال وخرج منه الطهارة والصلاة والحج وهو شرح مزج وفرغ منه السنة الخامسة بعد المائة والالف كما قيل».

ولی هم زمان شروع و هم تاریخ ختم، هر دو اشتباه است زیرا در خاتمه بسیاری از

کتاب کشف اللثام، تاریخ ختم آن کتاب درج شده و اولین تاریخ، در پایان کتاب نکاح. ۲۰ ربيع الثانی ۱۰۹۶ می‌باشد. ۴۵ و با در نظر گرفتن سال ولادت وی (۱۰۶۲) روشن می‌شود که تألیف کشف اللثام در حدود ۳۴ سالگی آغاز شده است با مراجعه به صفحه دوم کشف اللثام، منشأ اشتباه روشن می‌شود، در آخر کتاب طهارة تاریخ ختم آن، ماه پنجم — یعنی ماه جمادی الاولی — سال ۱۱۰۵ ضبط گردیده ۴۶ و شاید این منشأ شده که ختم کتاب را در این سال ذکر کنند، حال آنکه آخرین کتاب کشف اللثام (کتاب حج) در جمعه ۱۶ شوال ۱۱۲۰ پایان پذیرفته است. ۴۷.

این سخن در اینجا باید گفته آید که هر چند کتاب ذریعه که منبع اصلی کلام آقای لقائی در این قسمتها است از افتخارات جهان تشیع می‌باشد، لیکن برای تحقیق بهتر مطالب و دست یابی به اطلاعات صحیح تر باید از رجوع به امثال این دائرة المعارف عظیم، پا را فراتر نهاد و وصیت فاضل هندی را نصب عین قرار داد. این دانشمند بزرگ که از اعجوبه های روزگار در علوم بسیاری می‌باشد در پایان شاهکار خود یعنی کشف اللثام در خاتمه وصیت به پرسش، نکات دقیقی را نیز به دانشمندان علم دین گوشزد می‌کند و در ضمن آنها، طالبین علم را به مراجعه به منابع دست اول و مصادر اصلی توصیه می‌کند و از اشتباهات عدم مراجعه به آنها و اکتفاء به نقلیات دیگران بر حذر می‌دارد، مطالب ارزشمند دیگری این وصیت را در برگرفته که مطالعه آن را بر طالبان علم حتمی می‌سازد.

۴۹\* — در ص ۱۵۹ در ستایش کتاب مسالک الافهام این جمله دیده می‌شود:

قیل فی مدحه:

لولا کتاب مسالک الافهام ما اتضحت طریق شرائع الاسلام  
 کلاً ولا کشف الحجاب مؤلف عن مشکلات غوامض الاحکام  
 همچنانکه می‌بینید وزن بیت اول، مختل است و با بیت دوم نیز سازگار نیست، از این رو احتمال دارد که قسمتی از مصراع اول این بیت اشتبهاً داخل مصراع دوم آن شده باشد. بدین گونه که این بیت در اصل موصول بوده و قسمتی از کلمه «ما اتضحت» جزء مصراع اول و قسمت دیگر آن، جزء مصراع دوم باشد بنابراین تنها آخر بیت اول با آخر بیت دوم هم قافیه بوده است در این مورد مرسوم است که شعر بدین گونه نوشته شود:

لولا کتاب مسالک الافهام ما اتضحت طریق شرائع الاسلام.

۴۵ — عین عبارت آن چنین است: واتفق الفراغ عشری شهر ربيع الثانی لالف وست وتسعين.

۴۶ — عبارت آن، این است: والحمد لله على الطهارة واتمامها ... واتفق خامس خمس مائة والف.

۴۷ — عین عبارت پایان این کتاب چنین است: ونجزید مؤلفه محمد بن الحسن الاصهبانی متمهما الله فی دارهما الامانی من الجمعة سادس عشر شوال فی عصرها ومن السنین بعد الف ومائة فی عاشر عشریها.





\* ۵۰ - در ص ۱۶۳ سخن از کتاب من لایحضره الفقیه به میان آمده، گفتنی است که برخی چون این نام را بی معنی دانسته اند این کتاب را با عنوان «فقیه من لایحضره الفقیه» به چاپ رسانده اند<sup>۴۸</sup> ولی با مراجعه به مقدمه این کتاب بدست می آید<sup>۴۹</sup> که لفظ «کتاب» جزء نام این جامع حدیسی می باشد بنابراین معنای این نام چنین می شود که این کتاب، کتاب کسی است که فقیهی در نزدش نباشد همچنانکه کتاب «طب محمد بن زکریای رازی» - که صدوق (ره) نام کتابش را از آن برگرفته - «کتاب من لایحضره الطیب» است، عبارت اعلام المکاسب در اینجا اگرچه قابل حمل بر این معناست ولی تصریح به این نکته ضروری است، خصوصاً با توجه به اینکه خود مؤلف در ص ۴۹، ۷۳، ۶۲، ۱۶۶ نام کتاب را اشتباه ذکر کرده است.

در مواضع دیگری از این کتاب اشتباهاتی صورت پذیرفته که بعضی احتمالاً و برخی جزماً غلط چاپی نیست. جمله ای از اشکالات مهم را، تنها با ذکر صحیح آن - و گاه متن بهتر از آن - و بدون ذکر دلیل و منشأ اشتباه - جز در اندک مواردی - به صورت فهرست وار دنبال می کنیم:

ه متن ناصحیح یا غیر انسب در درون [ ] نهاده شده و در مقابل آن، متن صحیح یا انسب دیده می شود.

صفحه	سطر	متن کتاب	متن صحیح یا انسب
۲۰	۵	ق: [قاموس] المحيط: الفيروزآبادی	الفاموس
۲۳	۲	محمد [بن احمد] بن ادریس المعطی	بن منصور بن احمد <sup>۵۰</sup>
۳۱	۹	«فی ترجمة ابن طاوس»: كان ام والده سعد الدين بنت [ابنة] الشيخ الطوسي.	«ابنة» زائدة <sup>۵۱</sup>
۳۱	۱۷	وكان [رأيه] في زكاة غلاته كما ذكره في كشف المحجة ان يأخذ العشر منها ويعطى الفقراء الباقي.	دأبه <sup>۵۲</sup>

۴۸ - در کنار جلد این کتاب، در این چاپ، کلمه فقیه و در زیر آن کلمه من لایحضره الفقیه چاپ شده است. ممکن است هر دو روی هم یک اسم باشند و ممکن است اولی، اسم کوتاه آن باشد و در هر صورت اشکال برجای خود باقی است.

۴۹ - به مقدمه منتفی الجمان نیز مراجعه و در تفسیری نسبت به این کتاب دقت شود.

۵۰ - ذریعه ج ۱۲/۱۵۵، طبقات اعلام الشیعة، القرن السادس / ۱۹۰.

۵۱ - مستدرک الوسائل ج ۳/ ۴۷۱.

۵۲ - مستدرک الوسائل ج ۳/ ۴۶۹.

صفحة	سطر	مثن كتاب	مثن صحيح يا انساب
٣٤	٩	ابن قولويه	ابن قولويه ٥٣
٤٥	١٦	يروى عنه - اى عن الشيخ البهائي - السيد  حسن  بن السيد جبر الكركي.	حسين
٤٩	١٦	له - اى للفاضل الجواد - شرح على جمعرة الشيخ على  المحقق .	المحقق الكركي
٨٠	٥	مبادئ  الاصول  الى علم الاصول - من كتب العلامة -	الوصول
١٠٨	ما قبل	من مصنفات المحقق الاردبيلي تعليقاته... وعلى	الرسالة الخراجية نفس فاطمة
	آخر	خراجية الشيخ على	اللاج للمحقق الكركي
١٠٩	١٠	نجم الدين  الحلي	المحقق الحلي
١١٣	٦	مالك  ابن  الاشر	«ابن» زائدة
١١٤	٢	يروى - اى ابن البطريق - فى الاغلب عن عماد الدين	ابى القاسم
		محمد بن  القاسم  الطبرى وابن شهر آشوب.	كتاب ٥٤
١٢٤	١٥	الجواهر النضيد فى شرح  منطق  التجريد	
١٤١	٢	له - اى للروضة البهية - شرح... منها ١ - ٢٠٠ -	الحسن
		شرح للشيخ على بن محمد بن  الحسين  ابن زين الدين الشهيد الثانى سماه «الزهراء الزويه»	
١٤٣	ما قبل	شمس العلوم... لنشوان بن سعيد بن نشوان الميلى... وقد	ما فى الذريعة هو الانساب
	آخر	اختصره ولده فى جرتين وسماه ضياء العلوم (وفى	رعاية لعدم الاطباء فى
		الذريعة ضياء العلوم) فى مختصر شمس العلوم	السجع
١٥١	١٢ و..	الكافى فى الحديث... مشتمل على  سنة  وعشرين  باباً  و	ثلاثمائة وستة وعشرين
		احاديثه حصرت فى ستة عشر الف  حديث : الصحيح	حديث ومائة وتسعة وتسعين
		٥٠٧٢ الحسن ١٤٤ والموتق  ١٧٨  والقوى ٣٠٢ و	حديثاً
		الضعيف ٩٤٨٥	٥٥ ١١١٨
١٦٤	آخر	المهذب البارغ فى شرح «المختصر النافع» لابن فهد	لهكذا فى الذريعة ٥٦ ولكن
		الحلى... و اشار الى وجه التردد من المصنف للدليل	لايبعد كونه فيها تصحيحاً من
		الفتح  فى خاطره	«الفتح».



٥٣ - ايضاح الاستنباه (ص ٢١) و عين عبارات آن: بضم القاف واسكان الواو الاول [والثانى] وضم اللام والواو

بعدها.

٥٤ - تگارنده احتمال مى دهد که برخلاف آنچه شايع است خواجه طوسى يك كتاب به نام تجريد - که بعضى از آن حکمت و بعضى ديگرش منطق است - ندارد بلکه او دو کتاب نگاشته يکى در حکمت به نام تحرير العقائد و ديگرى در منطق به نام تجريد (مقدمه اين کتب و نيز تاسيس الشيعة / ٣٩٨ در ضمن کتب علامه که از خلاصه نقل مى شود) .

٥٥ - لؤلؤة البحرين / ٣٩٤

٥٦ - ذريعة ٢٣ / ٢٩٢

برخی از منابعی که مستقیماً مورد استفاده قرار گرفته است:

- ۱- اعلام المكاسب فی الاشخاص والكتب، منصور لقانی، مكتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۶
- ۲- اعیان الشیعة، سید محسن امین (۱۲۸۴-۱۳۷۱)، تحقیق حسن امین، ۱۱ جلد (۱۰ جلد + ۱ جلد فهرست) دارالتعارف، بیروت ۱۴۰۳ هـ.
- ۳- امالی شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۳۳۶-۴۱۳) تحقیق علی اکبر غفاری و حسین استاد ولی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳
- ۴- ایضاح الاشتهار، علامه حلی، سنگی، جیبی، ۱۳۱۹.
- \*- نسخه ای از این کتاب که با یک نسخه معتبر تصحیح شده در اختیار ما بود، و ما با گذاشتن «گیوه» اختلاف نسخه را مشخص نمودیم.
- ۵- بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (ع)، محمد باقر بن محمد تقی، علامه مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰)، الف- مکتبه اسلامیه تهران، ب- دارالوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ هـ.
- ۶- تاریخ بغداد، خطیب بغدادی احمد بن علی (م ۴۶۳)، مکتبه الخانجی، قاهره و المکتبه العربیه، بغداد و مطبعة السعادة، جوار محافظة مصر.
- ۷- تاریخ حزین، محمد علی حزین (۱۱۰۳-۱۱۸۱)، چاپ سوم، کتابفروشی تأیید، اصفهان، ۱۳۳۲ هـ.ش.
- ۸- تأسیس الشیعة، سید حسن صدر (م ۱۳۵۴)، شركة النشر والطباعة العراقية المحدودة.
- ۹- تذکرة حزین، محمد علی حزین (۱۱۰۳-۱۱۸۱)، چاپ دوم، کتابفروشی تأیید، اصفهان، ۱۳۳۴ هـ.ش.
- ۱۰- جامع الرواة، محمد بن علی اردبیلی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۳.
- ۱۱- خلاف، شیخ طوسی محمد بن حسن (۳۸۵-۴۶۰)، چند چاپ از آن دیده شده و آدرس صفحه داده شده از چاپ دوم، (مطبعة تابان تهران، ۱۳۸۲ هـ.ق) که مرحوم آیت الله بروجردی بر آن مقدمه نوشته اند، می باشد.
- ۱۲- الدر المنثور عن المأثور و غیر المأثور، علی بن محمد بن حسن ابن الشهد الثاني زین الدین (۱۰۱۴)، ۱۱۰۳)، چاپ اول، چاپخانه مهر، ۱۳۹۸.
- ۱۳- الذریعة الی تصانیف الشیعة، شیخ آقا بزگ طهرانی، محسن (۱۲۹۳-۱۳۸۹)، ۲۵ جلد (جلد ۹ در ۴ قسمت)، چاپ سوم، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۳ هـ.
- ۱۴- فهرست اسماء مصنفی الشیعة (رجال نجاشی)، احمد بن علی بن احمد بن عباس نجاشی (۳۷۲-۴۵۰)، تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۴۰۷.
- ۱۵- روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، محمد باقر خواتساری، ۸ جلد الف- کتابفروشی اسماعیلیان، تهران ۱۳۹۰، ب- ترجمه روضات، محمد باقر ساعدی خراسانی، کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۳۶۰.
- ۱۶- روضة المتقین فی شرح اخبار الائمة المعصومین، محمد تقی بن مقصود علی، مجلسی اول (۱۰۰۳-۱۰۷۰) تحقیق سید حسین موسوی کرمانی، علی بناه اشتهازی، بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمد حسین کوشانپور، ۱۴ جلد، ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹.

- ۱۷ - ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، عبدالله افندی اصفهانی، ۶ جلد، تحقیق سید احمد حسینی، چاپخانه خیام، قم، ۱۴۰۱.
- ۱۸ - سلافة العیض فی محاسن الشعراء لكل مصر، سید علی صدرالدین مدنی معروف به ابن معصوم (م ۱۱۲۰) مکتبه مرتضویه. (افست از چاپ مصر، ۱۳۲۴ هـ.ق).
- ۱۹ - طبقات اعلام الشیعة، شیخ آقا بزگ طهرانی، محسن (۱۲۹۳-۱۳۸۹) الف- نوابغ الرواة فی رابع المئات، تحقیق علی نقی منزوی، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۳۹۱، ب- الثقات العیون فی سادس القرون، ۱۳۹۲، ج- الانوار الساطعة فی المائة السابعة، ۱۹۷۲ میلادی.
- ۲۰ - فهرست، شیخ طوسی محمد بن الحسن، تصحیح و تعلیق سید محمد صادق بحر العلوم، منشورات رضی قم (افست از مکتبه مرتضویه، نجف).
- ۲۱ - فهرست نسخ خطی کتابخانه آستانه قم، محمد تقی دانش پژوه، نشره آستانه مقدمه قم، شماره ۲، چاپخانه زیبا، ۱۳۵۵ هـ.ش.
- ۲۲ - کتاب من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه قمی، شیخ صدوق (۳۸۱)، الف- تحقیق علی اکبر غفاری، مکتبه صدوق، ۱۳۹۲، ب- تحقیق سید حسن موسوی خراسانی، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، نجف، ۱۳۷۷ هـ.
- ۲۳ - کشف اللثام والایهام عن کتاب قواعد الاحکام، فاضل هندی محمد بن الحسن (۱۰۶۲) - قبل از (۱۱۳۴)، چاپ سنگی.
- ۲۴ - لؤلؤة البحرين فی الاجازة لقرنی العین، یوسف بن احمد بحرانی، صاحب حدائق (م ۱۱۸۶) تحقیق و تعلیق سید محمد صادق بحر العلوم، چاپ دوم (به طریق افست) مؤسسه آل البیت، قم.
- ۲۵ - مستدرک الوسائل، حسین بن محمد تقی، محدث نوری (م ۱۳۲۰)، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۲۱ هـ.ق.
- ۲۶ - مکاسب، شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۲۱۴-۱۲۸۱)، خط طاهر خوشنویس.
- ۲۷ - وقائع السنین والاعوام، سید عبدالحسین خاتون آبادی (م ۱۱۰۵) و تکمیل تا سال ۱۱۹۵ از بازماندگان، تصحیح محمد باقر بهبودی، چاپ اسلامیه، ۱۳۵۲.
- ۲۸ - هدیة الاحباب، حاج شیخ عباس قمی (بعد ۱۳۹۰-۱۳۵۹)، مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر، تهران، ۱۳۲۹ هـ.ش.

تذکره یک غلط چاپی در قسمت اول این مقال :

در صفحه ۶۹ سطر ۷ و ۸ این عبارت چاپ شده است: «ابویعلی جعفر بن محمد الخ»

که صحیح آن «ابویعلی جعفری محمد الخ» می باشد.

